

قطعنامه کنگره بیستم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

در باره

ضرورت مبارزه برای تشکل سراسری مستقل کارگران

در حالی که نیاز به تشکل سراسری مستقل کارگران ، اکنون بیش از هر زمان دیگری در گذشته ، احساس می شود ؛ و در حالی که شرایط عینی لازم برای ایجاد آن ، در مقایسه با گذشته ، آشکارا بسیار مساعدتر شده است ؛ متأسفانه ضرورت مبارزه مشخص برای ایجاد آن هنوز هم از طرف بخشی از فعالان جنبش کارگری نفی می شود. بنابراین ، سازمان ما که اکنون نزدیک به ۲۵ سال است که ضرورت مبارزه برای چنین تشکلی را طرح و یادآوری کرده ، لازم می داند اهمیت حیاتی توجه به این مبارزه را با تأکید بیشتری پیش بکشد.

چرا تشکل سراسری؟

قاعدتاً کسی نمی تواند منکر این حقیقت باشد که طبقه کارگر ایران برای سازمان یابی مستقل خود با دشواری ها و موانع اقتصادی و سیاسی زیادی روبروست که غالب آنها خصلت سراسری دارند و تلاش برای از میان برداشتن آنها ، تنها از طریق تشکل های صنفی و محلی این یا آن بخش از کارگران ، امکان ناپذیر است و فقط از طریق همبستگی و تشکل سراسری همه بخش های طبقه کارگر می تواند پیش برود:

یک - فروپاشی اقتصادی ایران ، به ویژه در دهه گذشته ، چنان دامنه ای پیدا کرده است که مقابله با عوارض ویرانگر آن در زندگی کارگران و زحمتکشان بدون همبستگی و همیاری آگاهانه و پیگیرانه سراسری آنان شدنی نیست. بیکاری پیدا و پنهان گسترده و نهادی شده ، تورم لجام گسیخته و همچنین بحران زیست محیطی بی سابقه کشور (که بی تردید همه علل سیاسی دارند و از وجود منحوس جمهوری اسلامی سرچشمه می گیرند) مصیبت هایی هستند که زندگی همه کارگران و زحمتکشان کشور را به تباهی می کشند و مقابله با آنها ، تلاش سازمان یافته همه آنان را می طلبد.

دو - جهت اصلی استراتژی اقتصادی جمهوری اسلامی ، چیزی نیست جز پائین نگهداشتن و فراتر از آن ، پائین تر آوردن هرچه بیشتر ارزش نیروی کار زحمتکشان کشور. و این اصلی است که همه جناح های رژیم (علیرغم اختلافات چشم گیرشان در حوزه های مختلف) روی آن اتفاق نظر دارند و فرض مسلم طرح های اقتصادی همه آنها ، گفته یا ناگفته ، چلاندن هرچه بیشتر زحمتکشان است و افزایش هرچه بیشتر قدرت بهره کشی (به اصطلاح) "کارآفرینان". تصادفی نیست که مدل های اقتصادی همه آنها ، گفته یا ناگفته ، از خشن ترین رهنمودهای نئولیبرالی و مخصوصاً از تجربه سرمایه داری های برده دارانه آسیایی نسخه برداری شده ؛ تصادفی نیست که شرکت های پیمانی برای اجیر کردن کارگر ، چنین گسترش یافته اند و اکثریت عظیم اردوی کار کشور ، در همه حوزه ها ، محروم از هر نوع حمایت قانونی و با قراردادهای موقت برده دارانه و سفید امضاء کار می کنند ؛ تصادفی نیست که پدیده "حقوق معوقه" به یکی از بزرگ ترین مشکلات کارگران تقریباً همه بخش های اقتصاد تبدیل شده و فروپاشی همه نهادهای تأمین اجتماعی و بی معنا شدن قطعی "دستمزد اجتماعی" (مانند حق بهداشت و درمان ، حق آموزش ، حق مسکن ، حق بازنشستگی و حق داشتن بیمه بیکاری) به صورت یکی از شاخص ترین نمادهای اقتصاد "حکومت امام زمان" درآمده است. آیا مبارزه علیه این بی حقی های فراگیر ، بدون اتحاد و تشکل سراسری کارگران و زحمتکشان می تواند راه به جایی ببرد؟!

سه - بخش اعظم نیروی کار ما در واحدهای کوچک و پراکنده کار می کنند و دگرگونی های بزرگی که (به ویژه در دوره موجودیت جمهوری اسلامی) در ساختار نیروی کار کشور به وجود آمده ، این بخش ها را متورم تر ساخته است. کارگران واحدهای کوچک و پراکنده و مشاغل خانگی ، کارگران فصلی و روزمزد ، غالب زحمتکشان دستفروش و دوره گرد ، کارگران روستایی و بالاخره ، لایه های گسترده بیکاران ، بخش هایی از نیروی کار کشور ما را تشکیل می دهند که در سازمان یابی شان با دشواری های بزرگ روبرو هستند و معمولاً نمی توانند در محیط کار سازمان یابند. بدیهی است که ضعف سازمان یابی این اکثریت بزرگ ، توان مقاومت و قدرت چانه زنی بخش های سازمان پذیرتر و سازمان یافته طبقه کارگر را نیز به شدت پائین می آورد. و برعکس ، حمایت بخش های پیشرفته تر و آگاه تر طبقه کارگر از خواست ها و مبارزات این اکثریت عظیم ، می تواند ظرفیت های سازمان یابی آنها را تقویت کند ؛ چیزی که بدون حدی از ارتباطات و حمایت های سراسری ، عملاً بسیار دشوار است.

چهار - می دانیم که در جمهوری اسلامی حق تشکل بی معناست و رژیم هر نوع تشکل مستقل را خطری برای موجودیت خود می بیند. در چنین شرایطی هر تلاشی برای ایجاد هر نوع تشکل مستقل ، خواه ناخواه ، تا حد زیادی معنای سیاسی پیدا می کند. اما هر مبارزه سیاسی ، از آنجا که با قدرت سیاسی سر و کار دارد ، بنا به تعریف ، یک مبارزه سراسری است و برای آن که به نتیجه برسد به حدی از سراسری شدن نیاز دارد. به عبارت دیگر ، هرچند جمهوری اسلامی ممکن است بعضی تشکل های مستقل را تحت شرایطی و برای مدتی تحمل کند ، ولی همیشه در پی در هم شکستن آنهاست. بنابراین ، هر تشکل مستقل برای ادامه موجودیت اش ، ناگزیر است برای خود متحدانی پیدا کند ؛ ضرورتی که خواه ناخواه ، آن را به تلاش در سطح سراسری می کشاند. بعلاوه ، هیچ تشکل مستقل ، در فضای بی حقی عمومی نمی تواند دست آورد قابل توجهی داشته باشد. تشکل های مستقل کارگری نیز از این قاعده مستثناء نیستند. آنها حتی اگر برای مدتی تحمل بشوند ، نمی توانند به صورت جزایر بریده از هم و بی ارتباط با هم ، موجودیت شان را ادامه بدهند و دستاورد در خور اعتنایی داشته باشند.

موانع و امکانات تشکل سراسری

استدلال اصلی کسانی که با تشکل سراسری کارگران مخالفت می کنند ، این است که شکل گیری چنین تشکلی با وجود جمهوری اسلامی ناممکن است. تردیدی نیست که موجودیت جمهوری اسلامی مانع بزرگی است در مقابل شکل گیری هر نوع تشکل مستقل. اما فراموش نباید کرد که همین استدلال در مخالفت با تشکل های غیر سراسری نیز به کار گرفته می شد و هنوز هم می شود. ضعف بزرگ این استدلال بی توجهی به آن حقیقت بزرگ و (ظاهراً) بسیار ساده است که "حق گرفتنی است و نه دادنی". در واقع اکثر خواست های حیاتی مردم ایران در حاکمیت جمهوری اسلامی دست نیافتنی هستند. مثلاً آیا برابری حقوق زن و مرد در زیر حاکمیت این رژیم دست یافتنی است؟ اما به این دلیل نمی شود مبارزه برای این خواست حیاتی و امثال آن را کنار گذاشت. زیرا خود مبارزه علیه جمهوری اسلامی ، تنها با پیش کشیدن همین خواست های حیاتی ، عاجل و بی واسطه مردم است که می تواند دامنه واقعاً توده ای پیدا کند. بعلاوه ، اگر نتوانیم به همه آنچه می خواهیم دست یابیم ، دلیلی ندارد که همه آنچه را که می خواهیم ، کنار بگذاریم. در مورد تشکل مستقل کارگری و طبعاً تشکل سراسری مستقل کارگران نیز ممکن است همه آنچه را که می خواهیم نتوانیم به رژیم تحمیل کنیم ، اما اگر بتوانیم از طریق ارتباطات و شبکه های سراسری کارگری ، رژیم را به عقب نشینی هایی ناگزیر سازیم و نیروی وسیع بخش های مختلف کارگران را به میدان بکشانیم ، مسلماً زمینه مساعدی برای گشایش بیکارهای بزرگ فراهم خواهد آمد.

هرچند موانع موجود بر سر راه دست یابی به تشکل سراسری کارگران غیر قابل انکار است ، اما امکانات و شرایط مساعد برای چنین تشکلی اکنون به مراتب بیش از هر زمان دیگری در گذشته است :

یک - در دو - سه دهه اخیر نسلی از فعالان کارگری در جریان مبارزات صنفی به صحنه آمده اند که اهمیت مبارزات اقتصادی کارگران، سازمان یابی مستقل صنفی و سندیکایی و سایر شکل های مبارزه سازمان یافته و مستمر برای حقوق کارگری را دریافته اند. بخشی از این فعالان در راس برخی از تشکل های مستقل کارگری موجود ، اهمیت همگرایی های پایدار و سازمان یافته و ضرورت تشکل سراسری کارگری را دریافته و برای آن مبارزه می کنند.

دو - سطحی از تشکل های رسته ای و محلی با درجات مختلف سازمان یابی و قدرت عمل در حوزه های مختلف شکل گرفته اند که زمینه ایجاد تشکل سراسری کارگری را مساعدتر از گذشته کرده است.

سه - کارگران بعضی از بخش ها با حرکت بر محور خواست های صنفی شان ، هم اکنون توانسته اند تا حدی به ارتباطات و همبستگی های سراسری دست یابند. مثلاً اعتراضات معلمان و پرستاران و همچنین افزایش اعتراضات همبسته بخش هایی از کارگران در صنعت و معادن ، نمونه هایی درخشان از مقاومت جبهه کار و ظرفیت های بالقوه سازمان دهی سراسری آنان را به نمایش می گذارند. بعلاوه ، نبود چشم انداز بهبود موثر و پایدار اقتصادی در افق مشهود، دستمزدهای زیر خط فقر برای اکثریت مزد و حقوق بگیران و ناامنی شغلی ناشی از عمومیت یافتن فزاینده بی حقی کارگران ، ناگزیر ، اعتراضات صنفی بخش های مختلف کارگران را به سمت ارتباطات و همبستگی های سراسری می کشانند.

چهار - گسترش جهشی و بی سابقه رسانه ها و وسائل ارتباطی عملاً غیر قابل کنترل از طرف رژیم ، از ماهواره ها گرفته تا اینترنت و تلفن های موبایل ، امکان ارتباط گیری های آسان و ارزان را در سطوح سراسری و در میان کارگران رشته های مختلف فراهم آورده است. در این شرایط ، فعالان و مبارزان بخش های مختلف طبقه کارگران به آسانی می توانند ، با همدیگر آشنا شوند ، از تجارب همدیگر بیاموزند و به ایجاد شبکه های ارتباطی پایدار و سراسری بپردازند. این شبکه ها در کنار شبکه های طبیعی که بر بستر پیوندهای اجتماعی موجود در سطح محیط کار و زیست کارگران و زحماتشان شکل می گیرند، امکانی مهم در خدمت تبلیغ، شناساندن و ایجاد تشکل سراسری کارگری هستند.

از کجا و چگونه می توان آغاز کرد؟

مبارزه برای تشکل سراسری کارگران ضرورتاً از الگوی واحد و از پیش تعیین شده ای تبعیت نمی کند ، و مسلماً بسته به شرایط مشخص سیاسی و اقتصادی و توازن نیروهای طبقاتی ، فراز و فرود های زیادی پیدا می کند و از پیچ و خم هایی می گذرد که پیش بینی شان تقریباً ناممکن است. اما با توجه به تجارب غنی جنبش جهانی طبقه کارگر ، با قاطعیت می توان بر چند نکته کلیدی در باره شرایط پیشروی موفقیت آمیز آن ، از پیش تأکید کرد:

یک - در شرایط دیکتاتوری و سرکوب حاکم بر کشورما ، تلاش برای شکل دادن به تشکل سراسری کارگران ، خواه ناخواه ، از طریق ایجاد ارتباط میان فعالان شناخته شده بخش های مختلف طبقه کارگر آغاز می گردد ؛ فعالانی که ضرورتاً نمایندگان منتخب بخش های مختلف نیستند ، بلکه فقط حلقه های اتصال (برای تبادل تجربه و تدارک حمایت متقابل) میان این بخش ها محسوب می شوند. بعلاوه ، ایجاد این حلقه های اتصال در آغاز ضرورتاً از نظم و روال خاصی تبعیت نمی کنند ، بلکه

تا حدی خصلت تصادفی دارند. مثلاً حلقه های اتصال میان کارگران فعال دو رشته مختلف اقتصاد ممکن است زودتر و سریع تر از ارتباط میان فعالان کارگری خود این رشته ها ایجاد شود.

دو - تشکل سراسری مستقل کارگران بدون تکیه بر خواست های بی واسطه ، مشخص و ملموس کارگران نمی تواند دامنه وسیع و توده ای پیدا کند.

سه - دلیل وجودی تشکل سراسری کارگران ، قبل از هر چیز ، ضرورت مبارزه برای منافع و خواست های کارگران و سنگربندی در مقابل سیاست های جمهوری اسلامی است ؛ بنابراین چنین تشکلی فقط در صورتی می تواند پا بگیرد و پایدار بماند که مستقل از رژیم و همه دستگاه ها و جناح های آن باشد. همچنین تشکل سراسری کارگران ناگزیر است مدافع منافع و خواست های مشترک همه کارگران باشد ، بنابراین چنین تشکلی (مخصوصاً در شرایط مشخص ایران) نمی تواند وابسته به این یا آن جریان سیاسی و ایدئولوژیک باشد. در واقع ، فرقه بازی های ایدئولوژیک آفت هر تشکل توده ای کارگری و به طریق اولی تشکل سراسری کارگری است و هر نوع تلاش برای وابسته کردن تشکل سراسری کارگران به یک فرقه ایدئولوژیک نهایتاً جز ضدیت با منطق درونی مبارزه برای تشکل سراسری کارگری معنای دیگری ندارد.

چهار - حمایت از مبارزات کارگران در مقیاس سراسر کشور نمی تواند مخفی و غیرعلنی باشد. مخفی کاری شعاع عمل تاثیرات و دایره حضور فعالان کارگری را محدود می سازد و آنها را با اتهامات امنیتی گرفتار زندان می کند. تلاش برای تشکل سراسری کارگری تلاشی است علنی که بر محور مطالبات بی واسطه بخش های مختلف نیروی کار استوار است. البته ایجاد حلقه های اتصال میان بخش های مختلف جنبش کارگری ، مخصوصاً در آغاز کار ، غالباً با مخفی کاری سنجیده و اندیشیده شده می تواند پیش برود.

پنج - تشکل سراسری کارگران نفی کننده تشکل های رسته ای ، محلی و فرابنگاهی کارگری نیست ، بلکه برعکس ، تشکلی است برای حمایت از همه آنها و بالا بردن کارایی همه آنها. تشکل سراسری کارگران تشکلی است برای دفاع از منافع و خواست های مشترک کل بخش های طبقه کارگر در مقابل سرمایه و جمهوری اسلامی.

انتشار توسط: هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

جمعه ۳۰ مرداد ۱۳۹۴ برابر با ۲۱ اگوست ۲۰۱۵